

عبدالجلیل جمیلی

کلیفورنیا

مرحوم محمد داود خان اولین رئیس جمهور افغانستان و جریان مکمل و واقعی سفر رسمی ۱۹۷۷ ایشان به ماسکو

هموطنان ارجمند !

در جریان ۲۷ سالیکه از کودتای منحوس و ضد ملی ۷ ثور ۱۳۵۷ گروه های خلق و پرچم تحت الحمايه روسیه شوروی میگذرد، عده زیادی از دانشمندان و مؤرخین افغانستان و جهان ، آثار زیادی برای روشن ساختن دوران سیاه و ظلمانی دیکتاتوری کمونیستی در کشور از یکطرف، و دوره قهرمانی های ملت افغان و شهامت و قربانی های این راد مردان از جانب دیگر، به نشر رسانیدند که در آن جمله یکی هم اثر محترم عبدالصمد غوث معین سابق سیاسی وزارت امور خارجه تحت عنوان سقوط افغانستان (The fall of Afghanistan) است، که در این اثر خویش روشنی زیادی مخصوصاً به زوایای تاریک روابط زیر پرده سیاسی بین افغانستان و روسیه شوروی و آنچه از دسترس مطبوعات آزاد و ملت بدور بوده، انداخته اند. ولی آنچه مرا مجبور به ترتیب این متن ، زیر عنوان یا مفهوم تصحیح قسمتی از اثر شان که خاصتاً روشنی انداختن به سفر رسمی و تاریخی مرحوم محمد داؤد خان اولین رئیس جمهور افغانستان به تاریخ ۱۲ اپریل ۱۹۷۷م به مسکو، ساخته است این است که در قدم اول گرچه دوست و همکار دیرینه همان یک وزارت بوده و هیچ نوع سوء تفاهمی هم نداریم ولی علالت و مریضی ، اوشانرا از اجتماع گوشه ساخته که نتوانسته ام مستقیماً با ایشان تبادل نظر کنم و ثانیاً که من و ایشان هر دو اعضای هیأت سفر رسمی آن مرحوم بودیم و ثالثاً و مهمتر از همه که به نظرم یکی از مکلفیت های راستین تاریخ نویس و ارائه آن به مردم این است که بر علاوه تطبیق و تدارک معلومات مکمل و مکفی، عدول از واقعیت های تاریخی و یا کوتاهی را در آن بکلی به یکطرف گذارد تا با نشر مطلب انحراف یافته و یا ناقص، لطمه به تاریخ واقعی وطن نرسد و با دست بدست شدن آن اثر ، تا ثریا این دیوار کج نماند. بهر صورت ازینکه محترم عبدالصمد غوث چه نظری در مختصر نوشتن یا انحراف جریانات داشتند، تنقید و ملحوظ نظری ندارم، تنها می خواهم درین جا با چشم دید و شهادت عینی که تمام ذوات معیتی همسفر مرحوم محمد داؤد خان درین سفر تاریخی و واقعاً سرنوشت ساز افغانستان داشتند، آن سفر و جریانات آنرا بدون کم و کاست و هر آنچه بوده و رخ داده برای مزید معلومات و مطالعه شما هموطنان گرانقدرم ارائه نمایم.

گرچه از جمله اعضای همسفر یا ذوات معیتی - سه وزیر کابینه آنوقت به شهادت رسیده اند، دو وزیر با فضیلت و مجرب و فرزندان صادق وطن (مرحوم علی احمد خرم وزیر پلان و مرحوم انجنیر جمعه محمد محمدی وزیر آب و برق آن وقت) یکی بعد دیگری کشته شده اند. و وزیر سومی (سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه) که در روزهای اول فاجعه ثور از طرف زعمای کمونیست افغان اعدام گردیده و به شهادت رسیده است.

ولی خوشوقتیم که هنوز هم ذوات معیتی آن وقت یا شاهدان عینی در قید حیات را بدین ترتیب به شما معرفی میدارم و با ارائه این جریانات واقعی از همه آن محترمان نیز خواهش میکنم که با مطالعه آن اثر و یا این متن اگر نظر و یا تصحیحی دارند تا ناوقت نشده، آنرا بدسترس شما هموطنان محترم قرار دهند؛ که ازین قرار اند:

۱- مرحوم داکتر علی احمد پوپل سفیر کبیر افغانستان در ماسکو (بعداً مهاجر در آلمان و اخیراً متوفی در همان کشور)

۲- محترمه دکتورس محبوبه رفیق رئیس دفتر وزیر امور خارجه (فعالاً مقیم واشینگتن ایالات متحده)

۳- محترم میر شمس الدین رئیس تشریفات وزارت امور خارجه (فعالاً مقیم فرانسه)

۴- محترم عبدالفرید رشید مدیر عمومی اقتصادی وزارت امور خارجه (فعالاً مقیم آلمان)

۵- محترم محمد رفیق شمعیز مدیر شعبه دوم سیاسی، اروپای شرقی، وزارت خارجه (فعالاً مقیم فرانسه)

۶- محترم عبدالاحد ناصر ضیایی مدیر اطلاعات وزارت امور خارجه (فعالاً مقیم دیوسلدورف آلمان)

۷- اینجانب عبدالجلیل جمیلی مدیر روابط اقتصادی وزارت امور خارجه (فعالاً مقیم لاس آنجلس ایالات متحده امریکا) تقدیم کننده این متن.

۸- محترم محمد انور نوروز معاون ریاست تشریفات وزارت امور خارجه (فعالاً مقیم سن دیاگو کالیفورنیا) لایزنی به تذکر است که مرحوم داکتر علی احمد پوپل سفیر کبیر آن وقت افغانستان در ماسکو از آغاز مراسم تشریفات و مذاکراتی، عضویت هیأت جانب افغانی را داشتند اما محترم میر شمس الدین و محترم محمد انور نوروز، رئیس و معاون ریاست تشریفات وزارت امور خارجه، تنها امور تشریفات را به عهده داشته و در جمله هیأت افغانی در دور مذاکرات دو روزه شامل نبودند.

بهر حال آن دگرگونی ها و تحولاتی را که بدیده سرنوشت ساز ملت افغان و تحولات منطقه و جهان و پیامد تقریباً سه دهه سراپا بحران می بینم، از همین سفر رسمی تاریخی ۱۲-۱۵ اپریل ۱۹۷۷ اولین رئیس جمهور افغانستان و غرور شکنی کریملین نشینان سرچشمه میگردد و این هم اصل داستان:

طیاره «کندهار» طیاره رسمی رئیس دولت افغانستان (قبلاً طیاره رسمی پادشاه افغانستان) حامل رئیس جمهور افغان، مرحوم محمد داود خان و ذوات معیتی ایشان که در فوق ذکر شد (به شمول محمد خان جلالر وزیر تجارت وقت که از او در بالا نام نبرده ام) صبح روز ۱۲ اپریل ۷۷ کابل را بمقصد مسکو ترک کرد و

با مواصلت به میدان هوایی تاشکند، هیأت افغانی از طرف رؤسای جمهور و صدراعضمان و وزرای خارجه و جمع غفیری از سه جمهوریت شوروی همسایه افغانستان (ازبکستان - تاجیکستان و ترکمنستان) بگرمی زیادی استقبال شده و به عمارت (VIP) مخصوص زعما در آن میدان هوایی رهنمایی شدند. در آن تالار بزرگ میز طعام چاشتی را برای تقریباً ۵۰ نفر تهیه دیده بودند که رئیس جمهور افغانستان و رئیس جمهور ازبکستان در وسط میز مقابل هم قرار داشتند و در جریان صرف طعام چاشت ایراد بیانیه های خیر مقدم از طرف میزبان و قدردانی و تشکر از طرف مهمان صورت گرفت که وظیفه ترجمانی بیانیه مرحوم محمد داود خان را، بر علاوه مکلفیت وظیفوی عضویت هیأت، به عهده داشتم و ازین رو بر میز دعوت در چوکی سوم به طرف راست رئیس جمهور افغانستان قرار داشتم ولی قبل از آغاز مراسم محمد خان جلالر وزیر تجارت از جای خود برخواسته و به رئیس جمهور افغانستان التجا کرد که اگر به او اجازه داده شود تا با برادر بزرگ و خاله و پسر خاله و فامیل خود که اصلاً تاشکندی و مقیم این شهر اند و به دیدنش آمده اند، صرف نان چاشت کرده و زود تر برگردد که با اشاره سر از رئیس جمهور موافقت گرفته و رفتند و بعد از صرف طعام برگشتند.

دو موضوع دیگر نیز قبل از توضیح جریان مذاکرات مسکو قابل تذکر دانسته میشود که :

اولاً - به همه اعضای معیتی تفهیم شده بود تا جریان مذاکرات را بدون فرو گذاشت تحریر کرده و در ختم هر مذاکره مشترکاً بحیث یک راپور مکمل مذاکرات آنرا فوراً منسجم سازند.

ثانیاً - هدایت اکید داشتم که چون در جمله هیأت افغانی تنها کسی هستم که به لسان روسی بلام، باید بر علاوه گرفتن جریان مذاکرات همه مطالب و اظهارات را نیز متوجه باشم، زیرا بعد از حرکت از تاشکند چنین تفهیم شده بود که تنها ترجمان جانب شوروی امور ترجموی و ترجمانی را بعهدده خواهد داشت و بس. طیاره حامل رئیس جمهور و ذوات معیتی همسفر شان شام همان روز به مسکو مواصلت و در تالار (VIP) میدان هوایی بین المللی شیرمیچی و (Sheremetiva) از طرف لیونید بریژنف منشی عمومی حزب کمونیست، نیکولای پودگورنی رئیس شورای عالی (رئیس جمهور)، الکسی کاسیگین صدراعظم، آندری گرومیکو وزیر امور خارجه و دیگر وزراء و اراکین دولتی استقبال شدند و بعداً هیأت با مراسم با شکوهی عازم قصر سه طبقه که در سمت جنوبی کاخ کریملین قرار داشت، گردید.

صبح روز ۱۳ اپریل ۱۹۷۷ مذاکرات رسمی دولتین در قصر مرکزی کریملین (مشرّف بدریای مسکو) آغاز شد. روز اول مذاکرات با تبادل بیانیه های مرحوم محمد داود خان رئیس جمهور افغانستان و لیونید بریژنف منشی اول حزب کمونیست اتحاد شوروی و ضمناً توضیحات مرحوم علی احمد خرم وزیر پلان افغانستان که به اجازه و اشاره محمد داود خان صورت گرفته بود و اجمال عمومی پلان های اقتصادی گذشته و در عین حال پیش بینی های پلان های ۷ ساله اقتصادی آینده افغانستان را در بر داشت، در فضای آرام و سالم به پایان رسیده و هیأت افغانی در دعوت نان چاشت بزرگ و با موهبت سالون گیورگی کریملین اشتراک کردند که مسالمت و تعاطی بیانیه های دوستانه و همسایگی نیک را با خود داشت.

روز ۱۴ اپریل ۱۹۷۷ و دور دوم مذاکرات نیز در همان تالارعظیم برگزار شد. (ناگفته نماند که زعمای اکثر کشورها بشمول اتحاد شوروی همیشه در همچو جلسات فقط متن تحریر شده از قبل را که بعضاً تا ۲۰ و ۲۵ صفحه میرسد قدم به قدم خوانده میروند که باین اساس لیئونید بریژنف هم همین پرنسپ را تعقیب میکرد) منشی عمومی حزب کمونیست اتحاد شوروی با آغاز بیانیه خویش روز دوم جلسات را افتتاح کرد، موصوف بعد از شرح یک قسمت بیانیه خود، که ۲۰-۲۵ دقیقه دوام کرد، دفعتاً با توقف متن بیانیه سر بلند کرده و به شکل جدی تر و صدای بلند تر رو بطرف رئیس جمهور افغانستان کرده چنین به سخن آغاز کرد:

«آقای رئیس جمهور! شما به خوبی میدانید که کشور ما همیشه نزدیکترین دوست افغانستان بوده و در هر وقت و مرحله یی دست دوستی را بطرف افغانستان پیش کرده و از هیچ نوع کمکی دریغ نکرده است و حال هم ما به خوشی حاضریم که برای اجرای پلان جدید اقتصادی افغانستان کمک کنیم. (۱) ولی طوری که اطلاع دارید دشمنان ما میخواهند که درین دوستی ما رخنه انداخته و آنرا خراب سازند، بدین لحاظ عمال خود را زیر عنوان پیسکور (Peace Corps) و رضا کار و غیره به افغانستان اعزام میدارند که آنها زیر عنوان کمک و همکاری اساساً در تخریب روابط ذات البینی ما میکوشند. (۲) باید حکومت افغانستان تمام این اشخاص را از افغانستان خارج کند.

و ترجمان جانب شوروی آنقدر این مطلب را جویده ولی گوارا و واژگونه جلوه داد و ترجمه کرد که جانب شوروی که به لسان دری آشنایی نداشتند و جانب افغانی که اصل مطلب و کلمات «بریژنف» را به روسی نفهمیده بودند، هیچ انتباه خرابی از آن نگرفتند و این همان فرصتی بود که باید با درک واقعیت گفتار «بریژنف» و عواقب خواهش یا هدایت او، منحیث وظیفه، هیأت افغانستان را حالی می ساختم و به این خاطر بدون وقفه و تأمل، به مرحوم شهید سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه (وزیر امور خارجه) که یک نفر بعد از من بطرف چپ و قریب شخص رئیس جمهور افغانستان نشسته بودند، رو کرده و آهسته گفتم: معاون صاحب، ترجمه درست نیست! با ادای محض این کلمه از طرف من، شهید مرحوم محمد داود خان رو بمن کرده و قدری با عصبانیت گفتند: «چه گپ است؟» عرض کردم که همین مطلب اخیر را ترجمان درست ترجمه نکرده است.

درین وقت است که لیئونید بریژنف متوجه شد که هیأت افغانی به بحث در بین خود مصروف اند، هم ممکن نظر خاص خود را محرک آن میدانست، چون می دانست که من به لسان او بلدیم، رو بمن کرده و با صدای جدی پرسید که چه گپ است؟ فوراً رو به او کرده و گفتم که جلالتمآب شما همین لحظه این چنین اظهار داشتید (تکرار عین کلمات و جملات روسی خودش) ولی ترجمان شما مطلب شما را نه آنچه شما اظهار داشتید، بلکه برنگ و مفهوم دیگری (عین متن دری ترجمان شانرا البته به لسان روسی) ترجمه کرده که به نظر شما هم درست نخواهد بود.

بریژنف فوراً به عقب خود (جائیکه ترجمان شان به پشت سر او نشسته بود) نگاه کرد و با صدای شدید و بلند به ترجمان هدایت داد که گفتارم را منحرف نکنید و آنچه گفته ام ترجمه کنید، که ترجمان مذکور درین مرتبه گفتار او را که فوقاً تقدیم گردیده، مکملأً توضیح داد.

بریژنف بعد ازین هم بقیه گفتار را که جمعاً بیشتر از ۴۵ دقیقه بود، به پایان رسانیده و نوبت به رئیس جمهور افغانستان رسیده بود تا بیانیۀ خود را ایراد نمایند و اوشان نه متنی داشتند و نه مدارکی بلکه نوتهای مختصری گرفته بودند که به اشاره بهر یک آن آغاز به سخن کردند :

مرحوم محمد داود خان رئیس جمهور افغانستان بیانیۀ خود را با تشکر از استقبال گرم دوستانۀ مقامات شوروی و روابط همکارانۀ ایشان با افغانستان شروع کرده و هر یک از جملات و پاراگراف های بیانیۀ بریژنف را قدم به قدم و بصورت سیتیماتیک جواب دادند تا اینکه به همان تذکر جدی و یا اخطاریۀ دیپلوماسی منقاد کنندۀ بریژنف رسیدند و در آن مورد جواباً چنین گفتند ؛ مرحوم محمد داود خان که درین لحظه جدی تر و صریحتر و با صدای نسبتاً بلندتر از آغاز بیانیۀ خود شروع به حرف زدن کردند چنین گفتند :

جلالتمآب بریژنف !

شما و همه خوب می دانند که افغانستان یک کشور رو به انکشاف بوده و برای رفع مشکلات اقتصادی خود به کمک تمام کشور های دوست خود در جهان ضرورت دارد، و ما همیشه از کمک های همه کشور های دوست منجمله اتحاد شوروی صمیمانه تشکر می کنیم ، بنا بر این همیشه خواهش مندیم تا کشور های دوست با کمک های اقتصادی و اعزام متخصصین خود به افغانستان با ما کمک کنند، ولی اگر این کمکها و اعزام متخصصین به منزله مداخله در امور داخلی ما بحساب برود ما از بازوی این ها گرفته و تمام شان را از افغانستان بیرون می اندازیم (درین لحظه حرکتی را با دست راست خود اجرا کردند مانند شخصی که شی دست داشته اش را بفاصله ۵ - ۶ متر دور تر از خود مانند دیسکی پرتاب کند) ولو که از جرمنی، فرانسه، اتحاد شوروی، امریکا، بلغاریه و غیره باشند. و بعد از ترجمۀ این گفتار خود، یک بار دیگر علاوه کردند که با اجازه شما یکبار دیگر سخنانم را تکرار میکنم و عین مطلب خود را با همان حرکت دست و نام بردن از همان کشور ها تکرار کردند و افزودند: البته افغانستان یک کشور غریب است، ولی یک کشور مستقل و آزاد است، و به هیچ کشوری اجازه نمی دهد که بنام کمک در امور داخلی اش مداخله کند. تعیین سرنوشت افغانستان تنها بدست ملت افغان بوده و تنها مردم افغانستان حق دارند که در آن باره تصمیم بگیرند(۳)

و با پایان این جمله که عواقبش چه می‌آید؟ فوراً الکسی کاسیگین صدر اعظم اتحاد شوروی که شخص دراک و سیاست مدار ورزیده بود و ادامه همچو بیانات را با وخامت آن بخوبی درک کرده بود، رو به رئیس جمهور افغانستان کرد و سوال خود را که بکلی خارج موضوع و پروگرام و به اصطلاح آب انداختن بر آتش افروخته بریژنف بود مطرح کرد:

مگر خواننده گرامی! برای روشن ساختن و راست ساختن آن انحرافات که بعد از همین لحظه توسط اثر محترم عبدالصمد غوث به اذهان عامه و نیز نشرات بعدی مانده و باید و حتماً شسته و اصلاح گردد همین قدر می‌افزایم که: مرحوم محمد داود خان نه کدام حرکت بی‌حرمتانه از خود بروز داد و نه از جای خود و حتی از کرسی خود حرکت کرد و نه سخن را به آن رسانید که به مرحوم سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه فرصت دهد که او برایش اشاره کند که برخاستن و حرکت او از پشت میز مذاکرات دور از نزاکت است و نه هیأت شوروی وضعیتی کردند که باعث بروز مشکلات و نا‌رسایی در مجلس شود، این مسایل یک انحراف محض ذهنیت‌ها و تاریک جلوه دادن تاریخ روشن زعمای افغانستان بوده است و بس. من به حکم وجدان و شهود محترم زنده حضور در آن جلسه که فوقاً اسمای شانرا تذکر داده‌ام، بشما خواننده و شنونده این مطلب مهم و تاریخی را بحضور خدا و ایمانم اطمینان میدهم که مرحوم محمد داود خان آنقدر انسان متین و با تمکین و متحمل ولی در باره مسایل وطن جدی و شکست‌ناپذیر بود که واژگون نشان دادن آنرا یا به غرض و ذهنیت شخصی و یا تخریبی و یا بی‌خبری و داشتن مطالب و مدارک انحرافی، شخصاً تعبیر دیگری کرده نمی‌توانم (و یک موضوع را میخواهم بصراحت عرض کنم که نه با ایشان قرابت قومی و شخصی دارم و نه در تمام حیاتم با این حزب و آن دستگاه، این جبهه و یا آن گروه گرهی و بستگی داشته‌ام و فقط من حیث یک فرد افغان، وطن و افغانیت و دین و خدای خالق را در بدل هیچ چیزی در هیچ زمانی و به هیچ قیمتی تعویض نکرده‌ام. عقیده به وحدانیت و دیانت را با قدسیت خاک و افغانیت و خدمت مردم با افتخارم را اساس انسانیت و افغانیت می‌شمارم و تمنی میکنم نوشته و نظرم را شخصی، جانب‌داری و دور از صداقت تعبیر نکنند.)

و بر میگردد به سوال الکسی کاسی گین صدر اعظم شوروی که گفت:

آقای رئیس جمهور!
چون شما یکی از سیاستمداران مجرب بوده و مخصوصاً در منطقه شرق میانه و همجواری با ایران و پاکستان و هند و چین در امور دولتی و سیاسی سابقه و تجربه کافی دارید و چون دید و نقطه نظر شما من حیث سیاستمدار و رئیس جمهور افغانستان، برای ما ارزش زیاد دارد، ممکن است بفرمایید که شما اوضاع منطقه و احوالات کشور های همجوار و روش سیاسی شانرا به چه نظری دیده و تحلیل میکنید که یقیناً شنیدن نظر شما درین باره ارجناک میباشد.

درین لحظه مرحوم محمد داود خان واقعاً با چنان متانت و سنگینی و چنان لهجه آرامی شروع به گفتن جواب

و صحبت کردند که بکلی حیرت آور بود و اصلاً گمان هم نمی رفت که در یک چشم برهم زدن به این ترتیب چنین خویشتن داری کنند، مانند اینکه همین لحظه قبل هیچ جریانی یا حادثه ای رخ نداده باشد. مرحوم محمد داود خان با آغاز سخن و توضیح چگونگی اوضاع هر یک از کشور های همجوار بشمول اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و ارتباط آن با مسایل بین المللی و سپس کشور خودش افغانستان و حتی خود کشور شورا ها از دید افغان ها و همسایه ها، آنقدر توضیحات و معلومات مکفی و لازم، با اتکاء به اعداد و ارقام و احصائیه ها ارائه کرد که صدراعظم اتحاد شوروی در اخیر معلومات ارائه کردگی شان با ابراز تشکر و قدردانی گفتند:

«واقعاً توضیحات و معلومات شما آنقدر غنی و پر محتوی و حتی مطالب بکر بود که از آن مستفید شدیم و با صراحت به شما میگوییم که به مطالبی رسیدیم و آن معلوماتی را یافتیم که قبلاً نمی دانستیم و یا برنگ دیگری آنرا تعبیر میکردیم و توضیحات شما مارا به راه های بهتر و معلومات درست تری رهنمایی کرده است

قضاوت در مورد تحلیل سیاسی منطقه را از طرز گفتار و اندازه معلومات و ارائه جواب مرحوم محمد داود خان، به خود هر عضو محترم این هیأت افغانی میگذارم و اما آنچه شخصاً گفته میتوانم این است که چون قبل ازین سفر، در هیچ یک سفر دیگری و مذاکرات دیگری به معیت شان نبوده ام، مخصوصاً با طرح سوال صدراعظم شوروی گفتار شانرا نه همین که شنیدم می پنداشتم ولی آنچه شنیدم آن قدر مکفی و غنی و همه جانبه و پر محتوا بود که الحق موقف شانرا در قطار شخصیت های بزرگ شرق، مانند دوکتور سوکارنو - جواهر لال نهرو و امثال شان در کنفرانس باندونگ و بنیاد گذاری اجتماع کشور های غیر منسلک آبرومندانه احساس می کردم. و این بود نقطه نهایی آن جلسه که بعد ازین توضیحات ختم آن با برخاستن هیأت های هر دو کشور از کرسی ها اعلام شد.

رئیس جمهور افغانستان از قطار خود و رهبران اتحاد شوروی از رسته خود به درب خروجی تالار برآمده و نزدیک هم، یعنی رئیس جمهور افغانستان تنها با بریژنف، پودگورنی، کاسیگین و گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی دست داده (نه با تمام هیأت شان) و بدون توقف بطرف درب خروجی (طرف راست شان) حرکت کردند و البته در جریان این نوع وداع دست و پاچگی های مخصوصاً در هیئت شوروی رونما و قدری بی نظمی رخ داد که وقتیکه درب باز شد و رئیس جمهور افغانستان شخصاً و تنها از آن خارج شد، شاغلی میر شمس الدین رئیس تشریفات وزارت امور خارجه افغانستان که تازه به تالار داخل شده بود متوجه خروج رئیس جمهور نشده بود، بنا بر آن مرحوم سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه صدا کرد که رئیس تشریفات رهبر رفتند و با دست اشاره کرد که رئیس تشریفات فوراً و به سرعت به عقب مرحوم محمد داود خان روان شد.

مرحوم محمد داود خان از راه همان تونل زیر زمینی که بین دو قصر وجود داشت و روز قبل هم از همان راه رفته بودند، با رئیس تشریفات افغانی و رئیس تشریفات شوروی راساً به طبقه سوم قصر اقامتگاه شان رفتند. طبعاً بزودی ممکنه همه اعضای هیأت افغانی به تعقیب شان به همان قصر و همان طبقه رفتند ولی واقعیت اینست که با درک و احساس تأثرشان حتی تا تقریباً ۲ ساعت وزراء هم به اطاق شان نرفتند. در همین لحظه مرحوم پاینده محمد کوشانی سکرتر اول سفارتکبرای افغانی در مسکو با دوسیه ای در دست نزد سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه آمد و متن اطلاعیه تلکس وزارت خارجه را که به مناسبت وفات مرحوم مارشال شاه ولی خان غازی در روم، از کابل مواصلت نموده بود به اطلاع وی رسانید. معاون وزارت امور خارجه به رئیس تشریفات هدایت داد که آن متن مخابره شده به حروف لاتین را به دری نوشته و مستقیماً به رهبر تقدیم کنند. رئیس تشریفات با تقدیم آن، لحظه بعد از وزرای محترم خواست که به اطاق رئیس جمهور بروند.

نان شب را به همان اطاق بردند ولی آنچه شنیدم که مرحوم محمد داود خان اصلاً نان شب را صرف نکردند (بجز چای) یکی دو ساعت بعد ازین رئیس تشریفات وزارت امور خارجه شوروی آمده و دعوت نامه رئیس جمهور تاجیکستان را به رئیس تشریفات وزارت امور خارجه افغانستان داده و گفت که چون رئیس جمهور تاجیکستان بسیار علاقه دارد که رئیس جمهور افغانستان را با ذوات معیتی شان فردا در شهر دوشنبه استقبال کند و شب هم در آن شهر میزبان شان باشد، ازین رو خواهش کرده اند که نظر و معلومات لازم را همین امشب به استحضار شان برسانم. رئیس تشریفات وزارت امور خارجه افغانستان، دعوت نامه و چگونگی را به حضور رئیس جمهور افغانستان به عرض رسانید. ولی جواب مرحوم داود خان این بود که با تشکر و قدردانی از دعوت ایشان، از سفر به دوشنبه معذرت میخواهید و در حالیکه به اوشان بگوئید که وقتیکه فردا از ماسکو بطرف کابل پرواز میکنیم توقف در تاشکند را نیز در پروگرام قید نکنند و به همین منظور هر چه زودتر با قوماندان (پیلوت) طیاره کندهار (دگروال گل پاچا خان خاخی) نیز تماس گرفته و نظر او را در مورد همین پرواز مستقیم ماسکو - کابل معلومات کنید که دگروال خاخی قوماندان طیاره هم آنرا تأیید کرده و گفت که طیاره (L 18) بخوبی میتواند راساً از ماسکو به کابل پرواز کند که همین طور شد و صبح روز ۱۵ اپریل ۱۹۷۷ وقتیکه رهبران شوروی بهد طی مراسم رسمی و عبور از برابر قطعه تشریفات مرحوم محمد داود خان را تا دم زینه طیاره بدرقه میکردند و من هم شخصاً با ایشان قدم بقدم یکجا بودم، جز مراسم و کلمات وداعیه نورمال کلمه و جمله ایرا نشنیدم که دال بر تیرگی اوضاع و یا کدورت برخورد ها بکند و مرحوم محمد داود خان تا لحظه بالا شدن به زینه طیاره همان لبخند و آرامش دائمی خود را داشت. و این است واقعیت یک حادثه بزرگ، تاریخی و تاریخ ساز ما و این هم شما. با عرض حرمت. عبدالجلیل جمیلی

تبصره :

(۱) این سفر رئیس جمهور افغانستان بر بنیاد جلب کمک مالی و تخنیک و قرضه های طویل المدت اتحاد شوروی به معیار چند میلیارد دالری جهت اجرای بموقع پلان های اقتصادی ۷ ساله آینده افغانستان صورت گرفته بود. (تفصیل در ختم متن)

(۲) از کدام کشور معینی و یا کدام نهاد و موسسه ای معینی نام نبردند.

(۳) درین جا ترسیم چهره و حالت بریژنف را قابل تبصره و لازمی میدانم : لیونید بریژنف بعد از ژوزف ستالین و نکیتا خروسچف مقتدر ترین رهبر اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی بود. او یک موجود معتاد و الکلولیک بود که اگر حالت خمار را نمیداشت اصلاً حرف و مطلب خود را ادا کرده نمی توانست. با آن ظاهر گنگس و غیر قابل کنترل و در عین حال درین سن کهولت با داشتن سرطان فک سفلی (*) که عملیات جراحی بزرگی را سال قبل آن گذشتانده بود و فک سفلی او را کشیده و به یک پارچه ای مصنوعی پلاستیکی و دندانهای مصنوعی تبدیل کرده بودند، حرکات و انتظام آنرا با فک علیا توسط فنرهای در هر دو گوشه داخل دهن که دور از نظر و دیدن بود تأمین کرده بودند که با بودن و قرار داشتن در نزدیکی او بعضاً بندش فک سفلی و کش آن با همان فنرها و برهم خوردن آنی دندان های بالا و پائین بخوبی قابل شنیدن بود. اما ضربت کلمات و جواب دندان شکن رئیس جمهور افغانستان ، این بهم خوردن دندانهای او را شنواتر و بلندتر کرده و چهره مخمورش آنچنان به پریدگی و پرش عضلات چهره گرائیده بود که حتی نشه اش خراب و کنترل خودی را از او گرفته بود و بنا بر همین بهم ریختن و بی دست و پائی او و تولید ترس بر الکسی کاسیگین بود که او فوراً مداخله کرده و سوال خود را مطرح ساخت. ج ، جمیلی

(*) در پایان سخن ، با سپاس قلبی و قدردانی از لطف بی پایان و احساسات وطن دوستانه برادر گرامی دوست دیرینه ام ، جناب ولی احمد جان نوری ، که در حقیقت مشوقم برای تهیه و نوشتن این صفحه فراموش ناشدنی و روشن ساختن این واقعیت تاریخی وطنم می باشد و در عین حال زحمت تایپ دری آنرا نیز متقبل شده و حتی زحمت گرفتن نظر دوستان محترم ، جناب دوکتور فرید رشید ، جناب میر شمس الدین ، جناب دکتور محمد رفیق شمعریز و جناب عبدالاحد ناصر ضیایی را برین متن متقبل شده اند ، صمیمانه متذکر می شوم